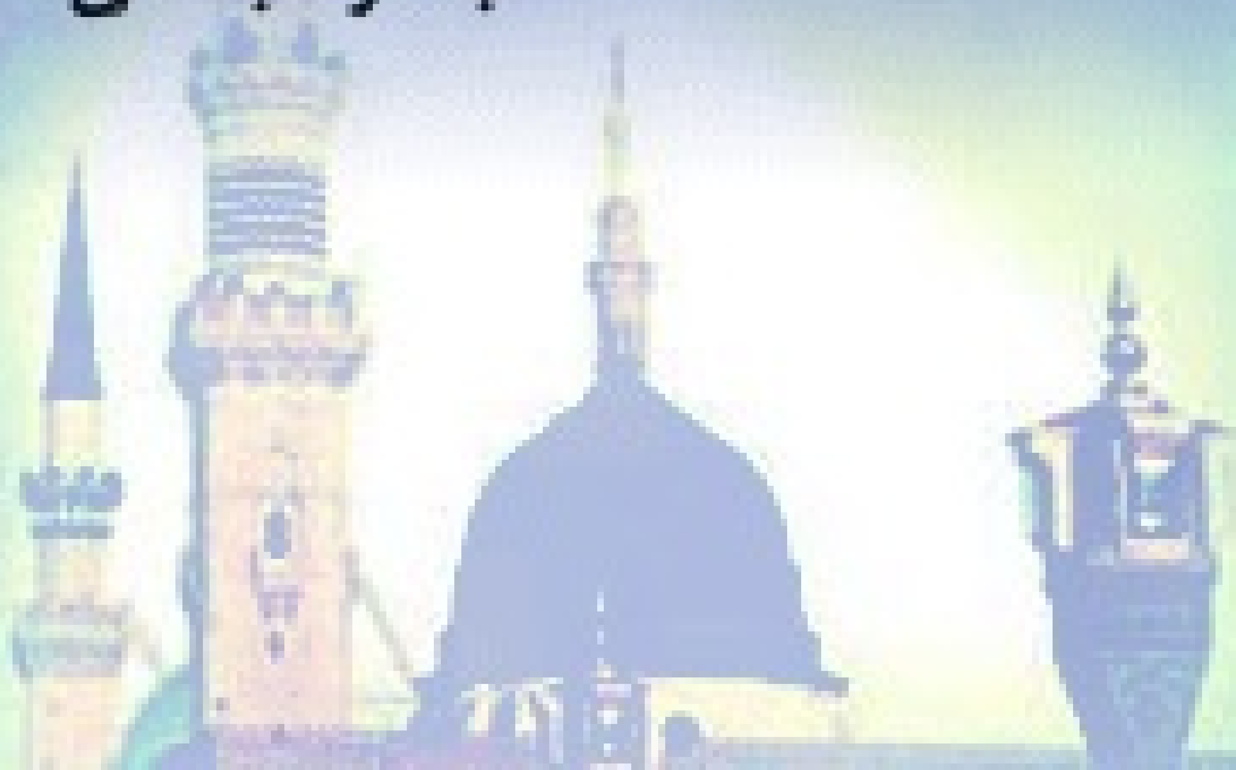
علم غیب پیامبر (ص)

جعفر سبحانی





مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان

علم غیب پیامبر (ص)

مشخصات کتاب

جعفر سبحانی
شماره بازیابی : ۸۵-۸۴۷ ۴۰
عنوان و نام پدیدآور :علم غیب پیامبر اعظم (ص)
منشا مقاله : شما ،ش ۴۸۱ ، ۸ مهر ۱۳۸۵: : ص ۱۲
توصیفگر :محمد (ص)، پیامبر اسلام
توصیفگر :غیب گویی

مقدمه

قرآن پیامبر گرامی را انسان آگاه از غیب معرفی می‌کند، به طور مسلم این آگاهی از درون ذات او نجوشیده بلکه مانند دیگر علوم و آگاهی‌های او، از برون بر او القا شده؛ و به وسیله وسائل، از پس پرده غیبت - به اذن الهی - گزراش می‌دهد.از آنجا که گروهی از بی‌خبران از مقام اولیاء آگاهی پیامبر از غیب، یک نوع الوهیت تصور کرده‌اند و چنین وانمود می‌کنند که آگاهی از غیب ازآن خدا است و کسی در این وصف شریک و همتای او نیست، لازم است قدری در این مورد به صورت موجز سخن بگوییم تا حقیقت روشن گردد ولی اجمالاً یادآور می‌شویم: آنچه که از آن خدا بوده و نشانه الوهیت است علم نامحدود و بی‌پایان اوست، نه علم محدود و مکتسب از دیگری! و علوم اولیای الهی از مقوله دوم است نه از مقوله اولی.نخست به توضیح سه شاهراه معروف می‌پردازیم:به طور مسلم هر زندگی بشری از ناآگاهی شروع شده و کم کم وارد به محیط آگاهی می‌گردد و به تدریج روزنه‌هایی به دنیای خارج از ذهن پیدا می‌کند.نخست از طریق حواس ظاهری به حقایقی دست می یابد، سپس بر اثر تکامل دستگاه تعقل و تفکر، کم کم با حقایقی که از قلمرو حس و لمس بیرون می باشد آشنا می گردد، و در نتیجه یک فرد عقلانی و استدلالی گشته و از یک رشته حقایق کلی وقوانین علمی آگاه می‌شود.گاهی ازمیان افراد بشر «اَبَر آگاهانی» پیدا می‌شوند که از طریق الهام، ازمطالبی آگاه می‌گردند که هرگز از طریق استدلال راهی به کشف آنها وجود ندارد از این جهت دانشمندان، ادراک بشر را به سه نوع ادارک تقسیم کرده‌اند: «ادراک توده مردم»، «ادراک استدلال گران و متفکران» و «ادراک عارفان وروشن بینان».تو گویی ظاهر بینان به کمک حس، متفکران به مدد استدلال، و روشن بینان به یاری الهام و اشراق از جهان بالا، به کشف حقایق می‌پردازند.نوابغ جهان، فیلسوفان و دانشمندان تأیید می‌کنند که یافته‌ها و ساخته‌ها و پرداخته‌های بی‌سابقه آنان، بیشتر بر اثر جرقه‌های روشنی بخش و الهام آمیز، به ذهن آنان خطور کرده و سپس آنها به یاری شیوه‌های تجربی و یا روش استدلالی به پرورش و تکمیل و تحقیق آنها مبادرت جسته‌اند.

شاهراه‌های سه گانه معرفت

از این بیان استفاده می شود که بشر برای نیل به مقصود، سه شاهراه در اختیار دارد، توده مردم غالبا از طریق نخست،و گروهی از راه دوم، و افراد انگشت شماری بر اثر تکامل روحی از راه سوم استفاده می‌کنند:1- راه تجربی و حسی: مقصود از این قسم، آن رشته ادراکاتی است که از طریق حواس برونی وارد قمرو ذهن می‌گردند مثلاً هر یک از دیدنیها و چشیدنیها و بوئیدنیها و... از طریق ابزار ویژه خود، در محل ادارکات ما قرار می‌گیرند و امروز اختراع تلسکوپ و میکروسکوپ و رادیو و تلویزیون و... کمک‌های شایان تقدیری به ادراکات بشر نموده و او را بر دو ر و نزدیک مسلط ساخته است.2- راه استدلالی و تعقلی: متفکران جهان با به کار انداختن دستگاه تعقل واندیشه، از یک رشته مقدمات بدیهی و روشن و ثابت در علوم، یک سری قوانین کلی خارج از حس را کشف می‌کنند و قله‌هائی از معرفت و کمال را تسخیر می‌نمایند.قوانین کلی علوم به قید کلیت، مسائل فلسفی و آگاهی‌های مربوط به خدا و صفات و افعال او و مسائلی که در علم عقائد و مذاهب مطرح می‌گردد، همگی مولود دستگاه تفکر و نتیجه به کار افتادن نیروی عقل انسانی است.3- راه الهام و اشراق: این راه، واقعیت شناسی سومی است که در ورای دستگاه حس و تعقل قرار دارد، یک نوع واقعیت شناسی خاصی است که امکان آن از نظر علم و دانش قابل انکار نیست، البته نظام جهان بینی محدود مادی، نمی‌تواند یک چنین ادراک غیر حسی و تعقلی را بپذیرد، اما ازنظر اصول علمی راهی برای انکار آن وجود ندارد.به گفته یکی از روان شناسان: جنبه‌های تجربی به وسیله حواس شناخته می‌شود و جنبه‌های عقلانی به واسطه اندیشه منطقی و ریاضی به مرحله ادراک می‌رسد و سرانجام بر اثر اشراق و الهام، جلوه‌هائی از جنبه‌های ماورای حس و استدلال - روشن بینی‌های برق آسا، و جرقه‌های روشنگر که ذهن حساس نوابغ از آنها برخوردار است - به مقام رؤیت می‌رسند.پرفسور «سوروکین» روانشناس معروف یکی از آن افرادی است که وجود سه شاهراه حقیقت شناسی را به روشنی تصدیق کرده و برای ادراک عرفانی و به اصطلاح الهام، مقام و منزلتی ویژه قائل است و صریحاً می‌گوید:«نمی‌توان این راه را تخطئه و تحقیر نمود، مگر می‌توان آموزش گسترده ادیان بزرگ را یک سره به تقلید کوته بینان نظام مادی ناچیز و بی حکمت شمرد و برای آن ارزشی قائل نگشت؟!».بنا بر این می‌توان معرفت‌های سه‌گانه را به شرح زیر نام‌گذاری کرد:1- راه حس یا حس آگاهی.2- راه عقل یا خرد آگاهی.3- راه الهام یا دل آگاهی.امروز علم روانشناسی، الهام رابه صورت یک واقعیت روانی

پذیرفته و آن را چنین توصیف می‌کند: «ادراک ناگهانی، آگاهی بخش توضیح دهنده یکباره و بدون مقدمه که چون برقی لامع در صفحه ذهن می‌درخشد بی آن که حتی غالباً پیشاپیش درباره آن اندیشیده باشد.»اهمیت و نفوذ الهام در اکتشافات علمی مورد تأیید دانشمندان قرار گرفته است «البرت اینیشتین» (1879 - 1955م،) با بسیاری از فلاسفه و عرفا هم آهنگ گشته و بسان برخی از دانشمندان اسلامی که الهام را کلید معارف می‌دانند، وی الهام را عامل پر ارج در اکتشافات علمی می‌داند.در سال 1931 م دو دانشمند شیمی دان امریکایی به نام یلات و پیکر پرسش نامه‌ای برای تحقیق درباره اهمیت الهام در کشف و حل مشکلات علمی، میان گروهی از دانشمندان شیمی پخش کردند و نتایج بسیار ارزنده آن را منتشر کردند.یکی از دانشمندان، مورد سؤال را اینطور پاسخ داده است: «درباره حل مسأله‌ای کار و فکر می‌کردم ولی در اثر اشکالات و ابهامات فراوان آن، تصمیم گرفتم که دیگر به کلی آن کار و تمام افکار مربوط به آن را کنار بگذارم، فردای آن روز در حالی که سخت مشغول کاری دیگر بودم یک باره فکری ناگهانی مانند جهش برق، در خاطرم خطور کرد و آن همان حل مسأله‌ای بود که مرا به کلی مأیوس کرده بود.»نظیراین گزارش ازهانری یوانکاره (1912 - 1854 م) ریاضی دان نامی فرانسه و بسیاری دیگر از دانشمندان طبیعی، ریاضی و فیزیک نقل شده است.جالب توجه این است که بسیاری از الهام‌های علمی که سبب کشف واقعیتی پرارج شده است نه تنها با اشتغال و تمرکز فکری دانشمندان در زمان فعالیتشان ارتباط نداشته است، بلکه حتی با رشته تخصصی آنان نیز دارای رابطه نزدیک نبوده است شاهد گویای این مطلب این است که مثلاً لوئی پاستور (1822 - 1895 م) با اینکه متخصص در علم شیمی بوده، با این حال بیشتر اکتشافات و خدمات ارزنده او به جامعه بشریت، در زمینه علم زیست شناسی و پزشکی بوده است!.

ازمیان دانشمندان معاصر آقای «الکسیس کارل» از جمله افرادی است که برای الهام، ارزش خاص قائل شده است و معتقد است که روشن بینان بدون استفاده از اعضای حس خود، افکار دیگران را درک می‌کنند، و حوادث دور - از لحاظ مکان و زمان - را کم و بیش می‌بینند، و آن را یک موهبت استثنائی می‌داند که جز افراد معدودی از آن برخوردار نیستند، این دانشمند نامی کوشیده است که در این بحث مطالب علمی و یقینی را از احتمالات جدا کند، و انسان را مجموعه‌ای از مطالعات و تجربیاتی که در تمام اعصار و همه کشورها شده، در نظر بیاورد و توانسته است بسیاری از شکل‌های فعالیت‌های انسانی را مطالعه کند، در اینجا برای این که خوانندگان گرامی با نظریه این دانشمند درباره الهام بیشتر آشنا شوند خلاصه گفتار او را می‌آوریم:«به یقین اکتشافات علمی تنها محصول و اثر فکر آدمی نیست، و نوابغ علاوه بر نیروی مطالعه و درک قضایا، از خصائص دیگری چون اشراق برخوردارند؛ با اشراق چیزهایی را که بر دیگران پوشیده است می‌یابند و روابط مجهول را بین قضایایی که ظاهراً با هم ارتباط ندارند، می‌بینند، و وجود گنجینه‌های مجهول را به فراست در می‌یابند، تمام مردان بزرگ از موهبت اشراق برخوردارند و بدون دلیل و تحلیل، آنچه را که دانستنش اهمیت دارد می‌دانند، یک مدیر واقعی احتیاجی به محک‌های هوش و اوراق اطلاعاتی برای انتخاب مرئوسین خود ندارد، یک قاضی خوب بدون توجه به جزئیات مواد و تبصره‌های قانون، و حتی گاهی به گفته «کاردوزو» با در دست داشتن ادعا نامه غلط می‌تواند حکم صحیح بدهد، یک دانشمند بزرگ، خود به خود به سوی راهی که منجر به کشف تازه‌ای خواهد شد کشانده می‌شود این همان کیفیتی است که پیشتر، الهام نامیده می‌شد».«دانشمندان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یکی منطقی و دیگری اشراقی، ترقی علوم مرهون این هر دو دسته است، در علوم ریاضی که اساس و پایه کاملاً منطقی دارد نیز اشراق سهم بسزایی دارد میان ریاضی دانان هم اشراقی می‌توان یافت و هم منطقی «هر میت» و «ایرشتراس» اشراقی، «برتران» و «ریمان» منطقی، بودند. روشن بینان بدون استفاده از اعضای حس خود، افکار دیگران را درک می‌کنند و حوادث دور از لحاظ زمان و مکان را کم و بیش می‌بینند و از بعضی اشیا و قضایا اطلاعات مطمئن‌تری از آنچه با اعضای حس درک می‌شود، می‌دهند، برای فرد روشن بین، خواندن افکار شخصی دیگران، به اندازه توصیف چهره وی آسان است ولی کلمات «دیدن» و «حس کردن» برای بیان آنچه در شعور وی می گذرد کافی نیست چون چیزی را نمی‌بیند

در جای جستجو نمی‌کند، بلکه فقط می داند».«در بسیاری از موارد هنگام مرگ یا هنگام مواجه شدن با یک خطر بزرگ، بین فرد با فرد دیگر ارتباطی برقرار می‌شود و کسی که در بستر مرگ افتاده و یا قربانی حادثه‌ای شده است برای یک لحظه، به شکل عادی خود، به نظر یکی از دوستان نزدیکش می‌رسد، اغلب این شبح خیالی، خاموش و ساکت می‌ماند وگاهی نیز سخن می‌گوید، و مرگ خود را خبر می دهد، و نیز گاهی، روشن بین از فاصله بعید می‌تواند منظره یا شخص یا صحنه را ببیند و آن را با دقت ترسیم و توصیف کند، و چه بسیار کسانی که در حال عادی روشن بین نیستند ولی در طول عمر خود یکی دوبار این قبیل ارتباطات را تجربه کرده‌اند».«به این ترتیب گاهی شناسائی دنیای خارج، از راه‌های دیگری به جز اعضای حسی، برای ما میسر می‌شود. شکی نیست که فکر می‌تواند حتی از فواصل دور، دو فرد انسانی را مستقیماً با هم مربوط کند این قضایا که مطالعه آنها در عهده علم جدید «متاپسیشیک» است باید همان طوری که هست پذیرفته شود زیرا حقایقی دربر دارد و جنبه‌ای از وجود انسانی را که هنوز خوب شناخته نشده است معرفی می‌کند و شاید بتواند علت روشن بینی فوق‌العاده برخی‌ها را برای ما روشن سازد. [1] .بنابراین، ادارک حسی و تعقلی دو وسیله است برای روح انسانی که تسلط او را بر قسمتی از جهان خارج تأمین می‌کند ولی در عین حال برای روح انسان وسیله توصیف نشدنی دیگری وجود دارد که ارتباط او را با جهان خارج برقرار می‌نماید و نتیجه آن امور زیر است که مورد تصدیق همه دانشمندان می‌باشد:1- اکتشافات علمی محصول و اثر تنها فکر آدمی نیست و نوابغ علاوه بر نیروی مطالعه و درک قضایا از نیروی الهام نیز برخوردارند.2- روشن بینان بدون استفاده از اعضای حسی خود افکار دیگران را درک می‌کنند تا آنجا که برای فرد روشن بین خواندن افکار شخص دیگر، به اندازه توصیف چهره وی آسان است.3- هنگام مرگ یا پیش آمدن خطر، ما بین فرد و فرد دیگر، ارتباطی برقرار می‌شود و کسی که در بستر مرگ افتاده، برای یک لحظه به شکل عادی خود به نظر یکی از دوستانش می‌رسد.4- روشن بین می‌تواند از فاصله بعید، منظره یا شخص یا صحنه‌ای را ببیند و آن را با دقت ترسیم و توصیف کند.

شهود و فلسفه برگسن

در میان دانشمندان مغرب زمین، برگسن (1859 - 1941 م) بیش از افراد دیگر به شهود اهمیت داده تا آنجا که مخالفان مکتب وی، او را مظهر ضد عقلانی و استدلالی معرفی کرده و گروهی او را از ایده آلیستها خوانده‌اند و این نوع حق کشی‌ها در تاریخ علم فراوان است، او دیگر بسان دانشمندان شهود را در مقابل حس، و عقل را جزو منابع معرفت قرار داده است.

غرور بی جا

انکار الهام و آگاهی‌های غیبی، معلول غرور بی جایی است که دامنگیر جمعی از مادی‌های قرن هجدهم و نوزدهم شده است، آنان تصور می‌کردند که همه چیز را فهمیده‌اند و در دائره هستی برای آنان مجهولی باقی نمانده است و بر تمام پیچیدگیهای جهان دست یافته و علل طبیعی پدیده‌ها را کشف کرده‌اند و دریافته‌اند که هر حادثه‌ای علت مادی دارد.نتیجه یک چنین غرور علمی، این است که به همه چیز بی اعتنا شده و به آنچه از پیشینیان به یادگار مانده است، با دیده شک و تردید و احیاناً انکار بنگرند.این غرور علمی که در قرن بیستم درهم شکست و یا از حرارت و شدت آن کاسته شد، کم کم بشر را آگاه ساخت که بسیاری از رموز خلقت هنوز در پس پرده جهل مانده، و هنوز بیش از اندکی از اسرار شگفت آور جهان آفرینش، برای بشر فاش نشده است.مردان محقق، و شخصیت‌های بارز علمی، فریب پیروزی‌های جزئی را در میدان علم و دانش نخورده و با جرأت و جسارت به انکار آنچه که هنوز درستی یا نادرستی بودن آن ثابت نشده و در ردیف علوم قرآن نگرفته است، برنمی‌خیزند.

اشاره

خدا به خاطر لطف و مرحمتی که نسبت به بندگان خود دارد، دریچه‌هایی را به سوی جهان غیب باز گذارده است تا همگان بدانند که آگاهی از غیب یک امر محال و غیر ممکن نیست، بلکه تسلط انسان بر غیب امری است صددرصد ممکن، که جای هیچ شک و تردید در آن وجود ندارد.

کارهای شگفت‌انگیز حیوانات که در کتاب‌های حیوان شناسی، جانور شناسی و حشره‌شناسی به طور مفصل پیرامون آنها بحث شده است نمونه واضحی از وجود الهام در حیوانات است.کارهای محیر العقول جانداران از قبیل تقسیم کار، انتخاب وظیفه، ساختن عضو مفقود و آشنائی به کلیه نیازمندیهای زندگی را نمی توان از راه تعقل و تفکر توجیه نمود زیرا بدیهی است که حیوان، فاقد دستگاه تفکر و تعقل است؛ همچنانکه نمی توان آنها را معلول نظم داخلی و ارگانیزم وجود خارجی جانداران دانست زیرا ترکیب خواص فیزیکی و شیمیایی یک موجود برای انجام امور ابتکاری وابداعی مانند تقسیم کار، انتخاب وظیفه، تجدید ساختمان عضو مفقود، و انطباق با محیط، کافی نمی‌باشد.یک ماشین حساب ممکن است آنچنان منظم ساخته شود، که اعمال جمع و تفریق و ضرب و تقسیم را دقیقاً انجام دهد اما هرگز ماشین حساب قادر به ابداع و ابتکار یا قاعده ریاضی نیست، یک ماشین ترجمه می تواند دقیقا سخنان یا نوشته یک نفر را ترجمه کند ولی هرگز نظم دقیق آن ماشین قادر به تصحیح اشتباه گوینده نمی‌باشد.چون در زندگی حیوانات کارهای ابداعی و ابتکاری بی‌سابقه دیده می‌شود جز این که آنها را معلول الهام از جهان بالا بدانیم توجیه دیگری ندارد قرآن مجید نام اینگونه الهام راوحی نهاده است. [2] .

دانشمندان می‌گویند در نهاد انسان استعداد مرموزی وجود دارد که به مدد آن می‌تواند افکار دیگران را بخواند و از حوادثی که در نقاط دور دست رخ می‌دهد با نیروی مافوق حس، آگاهی پیدا می‌کند مبادله افکار و احساسات از راه دور به واسطه حس مخصوص کاملا یک امر عملی است هر چند از طریق وسائل فنی نوین از قبیل تلویزیون، رادیو، تلفن و تلگراف،افکار را مبادله می‌کنند ولی دانش، برای چنین مبادله‌ای راه دیگری به نام «تله پاتی» و یا «حس روشن بینی» معتقد است.فرق «تله پاتی» با روشن بینی این است که روشن بینی همان قدرت درک اتفاقی است از فاصله‌های دور زمانی و مکانی، آن هم بدون وسائل حسی ولی «تله پاتی» کیفیتی است که به وسیله آن افکار و هیجانات و احساسات از مغزی به مغز دیگر بدون وسیله حس منتقل می‌شود و در حقیقت روشن بینی و تله پاتی دور روی یک سکه هستند و هر دو نام مناسبی می‌باشند برای دید دوم انسان چه درخواب و چه در بیداری.امروز «پوگیسم» در این زمینه به وسعت نظر بیشتری قائل شده است و زندگی را «موج» می داند و برای آن امواج گیرنده و فرستنده می‌شناسد و معتقد است که امواج را همچنان که با سیم می‌توان گرفت با اندیشه نیز می توان گرفت، اندیشه را موجی می‌شناسد که بعد ازآفریده شدن به ارتعاش می‌آید و در صورت وجود گیرنده قابل گرفتن است.

ارتباط با ارواح به صورت‌های مختلفی انجام می‌گیرد که صورت روشن و قابل اعتماد آن این است که استاد ماهر این فن، شخصی را که برای این کار آمادگی دارد، با نگاه و تلقین خواب می کند و روح او به سؤالات استاد پاسخ می‌دهد و گاهی در این تماس از اسرار نهفته پرده برداشته می‌شود.تماس با ارواح به صورت «علمی» از جهات گوناگون قابل مطالعه می‌باشد، در این زمینه کتابها و رساله‌های فراوانی به وسیله دانشمندان شرق و غرب نگارش یافته و صفحات زیادی از برخی دائرةالمعارف‌های علمی را به خود اختصاص داده است.دانشمندان این فن و کسانی که سالیان دراز در این راه کوشیده‌اند اظهار می‌دارند که توانسته‌اند با مجاهدتهای پی‌گیر و آزمایشهای فراوان از روی گوشه‌ای از جهان مرموز و ناشناخته ارواح، پرده بردارند و کارهای خارق عادت و حیرت‌انگیزی را که به وسیله آنها انجام می‌شود از نزدیک مشاهده نمایند، نویسنده دائرة المعارف قرن بیستم در جلد چهارم کتاب خود، درباره روح، جدولی از اسامی دانشمندان مشهور را که به واقعیت این علم اعتراف کرده‌اند، ارائه می‌دهد در این جدول نام چهل و هفت نفر از دانشمندان بزرگ فرانسه، انگلستان، ایتالیا، آلمان و آمریکا آمده است.البته باید دانست که ارتباط با ارواح به طور اجمال مطلبی است صحیح، ولی هرگز نمی‌توان گفتار هر مدعی را در این باره پذیرفت بلکه باید با قرائن و علائم راستگویان را از دروغگویان تمیز داد.

الهام به افراد

گاهی ممکن است مطلبی به قلب القا شود و انسان یک مرتبه خود را بر مطلبی واقف و آگاه ببیند، به این نوع القاء در اصطلاح، الهام می‌گویند.این گونه الهامات به قدری در هر زمان و مکان فراوان است که باید آن را در ردیف حوادث معمولی قرار داد حتی منشأ بسیاری از اختراعات و اکتشافات علمی و ابتکارات و مضامین عالی شعری همین الهام است.قرآن مجید نمونه‌ای در این مورد نقل می‌کند و می‌فرماید:«و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه...» (قصص /7)«به مادر موسی الهام کردیم که کودک خود را شیر ده...»

خواب‌های راستین

خواب، انواع و اقسامی دارد که یک نوع آن مورد نظر ما است و آن خواب‌هایی است که از یک واقعیت جدا از اندیشه و ذهن، از واقعیتی محکم و استوار و پابرجا گزارش می‌دهد این نوع خواب‌های الهی است که ما را با جهان خارج از خود مربوط می‌سازد و از روحی حقایقی دور از محیط ذهن و اندیشه پرده بر می‌دارد و این قبیل خواب‌ها به اندازه‌ای زیاد است که هرگز نمی‌توان آن را انکار کرد و قرآن نمونه‌های پیچیده‌ای در سوره«یوسف» نقل می‌نماید.پیامبر گرامی اسلام درباره این نوع خواب‌ها فرموده است:«ان الرویا الصادقة جزء من النبوة: [3] رؤیای صادق، بخشی از نبوت است».

1- شیخ الرئیس ابوعلی سینا در کتاب «اشارات» در «نمط هشتم» می‌گوید:اگر عارفی از غیب خبر داد و آینده، درستی آن را ثابت کرده او را تصدیق کن و به او ایمان بیاور زیرا چنین آگاهی‌ای یک رشته اسباب طبیعی دارد.و نیز در تنبیهات این نمط، به برهان این مطلب اشاره کرده و می‌گوید:وقتی اشتغالات روح از طریق حواس کم شد، برای روح انسان فرصتی دست می‌دهد که خود را از دست قوای طبیعی خلاص کرده و به جانب قدس پرواز کند و صورت‌هایی را در آنجا ببیند و این حالت گاهی در خواب و در حال بیماری به انسان عادی نیز رخ می‌دهد.و نیز در جای دیگر می‌گوید:اگر به تو گفتند که فلان عارف کاری انجام می‌دهد و یا به جسمی حرکت می‌بخشد یا خود حرکتی می‌کند که از توانایی دیگران بیرون است این سخن را انکار مکن زیرا برای این کار یک سلسله اسباب، وجود دارد که اگر تو نیز از آن راه وارد شوی به همان مقصد می‌رسی.و باز می‌گوید:تجربه و آزمایش به روشنی ثابت کرده است که انسان در موقع خواب می‌تواند با جهان خارج تماس بگیرد و اطلاعاتی کسب کند، اکنون چه مانعی دارد که انسان در موقع بیداری دارای چنین قدرتی باشد و تجربه وآزمایش نیز این حقیقت را ثابت کرده است. [4] .2- شیخ شهاب الدین سهروردی که در فلسفه الهی و ریاضات نفسانی عملی، کم نظیر بود درباره آگاهی انسان از غیب، چنین می‌گوید:هر وقت شواغل حواس ظاهری کاهش یافت در این وقت، نفس انسان از دست قوای طبیعی رهایی جسته و بر یک سلسله امور غیبی تسلط می‌یابد سپس می‌گوید:اگر انسان‌های کامل مانند پیامبران و اولیا از غیب خبر می‌دهند، به خاطر نوشته‌هایی است که می‌بینند و یا امواج و یا صداهای دل انگیز و هولناکی است که می‌شنوند و یا صورت‌هایی است که مشاهده می‌کنند و با آنان سخن می‌گویند، و سپس از غیب خبر می‌دهند. [5] .3- صدرالمتألهین در تعالیق خود بر «حکمت اشراق» امکان آگاهی از غیب را به گونه‌ای مشروح مورد بحث قرار داده و می گوید: «نفس بر اثر اتصال با جهان عقل، و یا عالم مثال (جهان صور اشیاء)، آگاهی‌هایی کسب می‌کند» سپس مطلب را با براهین عقلی روشن می‌سازد.هدف از نقل این کلمات این است که روشن گردد دانشمندان و پی‌افکنان علوم بشری از گذشته و حال، آگاهی از غیب را برای بشریک امر ممکن، بلکه واقع شده تلقی می‌کنند، جایی که آگاهی از غیب برای بشر معمولی ممکن، بلکه واقع شده باشد در امکان آن برای پیامبران و امامان معصوم جای شک و تردیدی باقی نخواهد ماند.در پایان این بخش لازم است نکته‌ای را تذکر دهیم:هدف

از نقل سخنان دانشمندان دیروز و امروز این است که بدانیم علوم بشری موضوع آگاهی از غیب را، یک امر ممکن بلکه محقق، تلقی کرده است و با چنین تصدیق و توصیفی، نباید در امکان آن شک و تردید داشته باشیم.ولی باید توجه داشت که آگاهی پیامبران و امامان معصوم برغیب، از طریقی است، غیر از طریق‌های عادی که در این بخش پیرامون آنها سخن گفتیم، و اشتراک در نتیجه، گواه بر اتحاد در راه نیست.و نیز اگر ما در این بخش ازکشف و شهود و اشراق و یا ارتباط با ارواح سخن گفتیم و به آنها استشهاد کردیم، نه به این معنی است که گفتار هر مدعی کشف و اشراق را بپذیریم، یا به تصدیق هر مدعی ارتباط با ارواح، صحه بگذاریم بلکه هدف تصدیق اجمالی است؛ و اما حدود و خصوصیات آنها چیست فعلاً از قلمرو بحث ما بیرون می‌باشد.

چند نمونه از آیات قرآن درباره علم غیب پیامبر

اکنون وقت آن رسیده با آیاتی که بر آگاهی پیامبر (ص) از پشت پرده غیب گواهی می‌دهند آشنا شویم. و در این مورد به ذکر چند آیه بسنده می‌کنیم.1- «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احد الامن ارتضی من رسول فانه یسلک من بین یدیه و من خلفه رصداً» (جن /26-27)«خدا دانای غیب است پس هیچ کس را بر غیب خویش آگاه نمی‌کند مگر بندگانی که مورد رضایت او باشند و آن بندگان عبارتنداز: فرستادگان او، و خدا برای فرستادگان خود از جلو و پشت سرشان، نگهبان قرار می‌دهد».مفاد آیه بسیار روشن است و به خوبی می فهماند که علم غیب، ازخدا است و او فرستادگان خود را از غیب آگاه می‌کند. [6] .2- «و ما صاحبکم بمجنون و لقد راه بالافق المبین و ما هو علی الغیب بضنین» (تکویر /22 - 24)«محمد (ص) دیوانه نیست و فرشته را در افق روشن دیده است و او بر غیب بخیل نیست (علم غیب را که بر او القاء می‌شود اگر صلاح باشد به شما می‌گوید و بخل نمی‌کند و از شما پوشیده نمی‌دارد».بنابراین به خوبی از آیه بر می‌آید که خداوند رسول گرامی خود را توسط فرشته وحی بر غیب آگاه کرده است.3- «و اذَ اسّر النبی الی بعض ازواجه حدیثا فلماَ نّبأَتْ به و اظهرة الله علیه عَرّفَ بعضه و اعرض عن بعض فلماَ نبّاهَا به قالت من اَنبَاَک هذا قال نَبّاَنَی العلیم الخبیر...» (تحریم /3).پیامبر گرامی اسلام، رازی را به یکی از همسران خود گفت (و به او سفارش کرد که آن راز را فاش نکند) ولی او، راز پیامبر را به دیگری گفت، خدا پیامبر را از جریان آگاه ساخت و به او خبر داد که همسرش، راز او را به دیگری گفته است پیامبر با این که آگاه شد همسرش همه راز را به دیگری گفته است اما به قسمتی از آن اشاره کرد و به قسمت دیگر اشاره نکرد یعنی به همسرش گفت رازی را که به تو سپردم، فاش ساخته‌ای،همسرش او را تصدیق کرد و پرسید چه کسی تو را از این جریان آگاه ساخت. پیامبر (ص)، فرمود: نبانی العلیم و الخبیر.خدای دانا و آگاه مرا آگاه ساخت.دقت در مجموع آیه، بخصوص جمله آخر: «نبانی العلیم الخبیر» به روشنی گواهی می‌دهد که خداوند او را از غیر راه وحی قرآنی از پس پرده غیب آگاه کرده است.از آیاتی که تا اینجا نقل شد، به خوبی استفاده می‌شود پیامبر گرامی (ص) بسان دیگر پیامبران الهی چون آدم، نوح، یعقوب، یوسف، صالح، داوود، سلیمان و عیسی، از غیب، خبر می‌داد.

آگاهی ازغیب منحصر به پیامبران نیست

در خاتمه، برخی از آیات که دلالت می‌کند که افرادی از غیر پیامبران هم از غیب آگاهی داشته‌اند نقل می‌شود تا واضح گردد که آگاهی از غیب منحصر به پیامبران الهی نیست، بلکه خدا به هر یک از بندگان خاص خود که بخواهد چنین عنایتی می‌کند و او را با غیب این جهان آشنا می‌سازد:«اذ قالت الملائکة یا مریم ان الله یبشرک بکلمة منه اسمه المسیح عیسی ابن مریم وجیهاً فی الدنیا والاخرة و من المقربین ویکلم الناس فی المهد و کهلاً و من الصالحین» (آل عمران /45-46)«هنگامی که فرشتگان به مریم گفتند: ای مریم خدا تو را به فرزندی نوید می‌دهد که نام وی مسیح عیسی فرزند مریم است، در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خداست و در گهواره با مردم سخن می‌گوید و از صالحان است».این نه تنها مریم است که از طریق غیب از یک رشته رویدادهای آینده آگاه شده است بلکه در این مورد همسر ابراهیم و مادر موسی نیز با او همراه می‌باشند. قرآن درباره همسر ابراهیم چنین می‌گوید:«و لقد جائت رسلنا ابراهیم بالبشری قالوا سلاماً... و امراته قائمة فضحکت فبشرنا ها باسحق و من ورآء اسحق یعقوب» (هود /69 و 71)«فرستادگان ما (فرشتگان) با مژده به نزد ابراهیم رفتند و گفتند: سلام بر تو... و همسر وی که ایستاده بود خندید، او را به اسحاق و پس از اسحاق به یعقوب بشارت دادیم»قرآن درباره مادر موسی که از طریق غیب از سرنوشت فرزند خود آگاه شده است چنین می‌فرماید:«و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی و لا تحزنی انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین» (قصص /7).«به مادر موسی وحی کردیم که موسی را شیر بده آنگاه که بر او ترسیدی، او را به دریا بیفکن و نترس و غمگین مباش، ما او را به تو باز می‌گردانیم و از پیامبران مرسل قرارش می‌دهیم»به طوری که مشاهده می‌کنید: در این آیات کسانی که از طبقه پیامبران نیستند از طریق غیب از حوادث آینده آگاه شده‌اند.

پاورقی

[1] انسان موجود ناشناخته، ص 135 - 137.
[2] سوره نحل، آیه 68، مشروح این بحث را می‌توانید در کتاب «راه خداشناسی» تألیف نگارنده، ص 245 - 262 بخوانید.
[3] بحارالانوار، ج 14، ص 635، چاپ قدیم - این نوع خواب‌ها که به طور مستقیم با آینده سروکار دارد، نه با گذشته نمی تواند علت مادی داشته باشد و هرگز نمی توان پرونده این خواب‌ها را در گذشته جستجو نمود بلکه این نوع خواب‌ها فاقد پرونده است و ما، در کتاب «راز بزرگ رسالت» پیرامون این نوع خواب‌ها سخن گفته‌ایم.
[4] اشارات، ج 3، ص 397 و 399 و 407 و 314.
[5] حکمت اشراق، مقاله پنجم.
[6] به تفسیر تبیان، ج 3، ص 63 و مجمع البیان، ج 2، ص 545 و تفسیر ابوالفتوح رازی، ج 3، ص 268 و المیزان، ج 4، ص 79 مراجعه شود.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان